



HAL
open science

Erfan Babakhani

► **To cite this version:**

| Erfan Babakhani. . Karagah, 2020. hal-03210845

HAL Id: hal-03210845

<https://hal.science/hal-03210845>

Submitted on 11 May 2021

HAL is a multi-disciplinary open access archive for the deposit and dissemination of scientific research documents, whether they are published or not. The documents may come from teaching and research institutions in France or abroad, or from public or private research centers.

L'archive ouverte pluridisciplinaire **HAL**, est destinée au dépôt et à la diffusion de documents scientifiques de niveau recherche, publiés ou non, émanant des établissements d'enseignement et de recherche français ou étrangers, des laboratoires publics ou privés.

جرایم زیست محیطی سازمان یافته با تاکید بر حقوق فرانسه

عرفان باباخانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

از صفحه ۲۸ تا ۵۲

چکیده

جرایم علیه محیط زیست و عدم توجه کافی به آن به یکی از معضله‌های جوامع انسانی در مواجهه با طبیعت تبدیل شده است. از نیمه دوم قرن بیستم، مسئله محیط زیست جنبه جهانی به خود گرفت و به یک بحران پایدار جامعه بین‌المللی تبدیل شد؛ بحرانی که همه ساکنان زمین را تهدید جدی نموده و امروزه نیز با شدت گرفتن مسئله گرمایش جهانی و بحران تغییرات اقلیمی، ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است؛ بحرانی که می‌رود تغییرات اجتماعی عظیمی را در زندگی بشر، آن نیز به اجبار، ایجاد نماید؛ بحرانی که منابع حیاتی زمین را نیز در معرض خطر جدی قرار داده است. برای مقابله با این بحران تقویت سیاست جنایی و زرادخانه کیفری کشورها و جامعه بین‌المللی علیه جرایم محیط زیستی به ویژه نوع سازمان یافته آن ضروری به نظر می‌رسد. از اواخر دهه ۱۹۹۰ دولت‌ها با توسل به حقوق کیفری در صدد حل این معضل برآمدند اما ماهیت خاص این جرایم که از سود بالا و خطر کمی برخوردار می‌باشند باعث شد توسل به حقوق کیفری نتواند کاهش قابل توجهی در نرخ این جرایم - بخصوص در کشورهای در حال توسعه ایجاد کند. با محوریت این امر، نوشتار حاضر در صدد بررسی آن است که چرا این جرم به شکل سازمان یافته به شدت در حال گسترش است. نوشتار حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی با تطبیق واقعیات موضوعی پیش رفته و در نهایت پس از تحلیل موضوع نتیجه‌گیری می‌نماید که جرایم زیست محیطی عمدتاً به دلیل عدم تناسب کیفر و ناکافی بودن ابزارهای قانونی در سطح ملی و بین‌المللی، رو به افزایش است، از این رو؛ لازم است راه‌حلهایی برای بهبود حمایت کیفری از محیط زیست مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: جرایم زیست محیطی، محیط زیست، جرم سازمان یافته، حقوق فرانسه

کارگاه

۲۸

سال سیزدهم

زمستان ۹۸

شماره ۴۹

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری دانشگاه پاریس ده Babakhani_erfan@yahoo.com

مقدمه

برای قرن‌ها، فعالیت‌های انسانی ماهیت محیط زیست و تنوع زیستی آن را تغییر داده است. قوانین معمول و مصوبه‌های قدیمی حاوی عناصر حمایت قانونی از محیط زیست هستند؛ این قوانین عمدتاً مربوط به جنگل‌ها و آب در اروپا یا آسیا است. با این حال، در آن زمان هنوز هیچ اشاره‌ای به "محیط زیست" وجود نداشت. محیط زیست از قرن نوزدهم به موضوعی با اهمیت و قابل توجه در قانون تبدیل شد و جرم زیست محیطی تنها از زمان آغاز توسعه صنعتی به یک مشکل واقعی مبدل شده است (گیلوت و فیلیپ^۱، ۲۰۱۰: ۱۰). با بهره‌گیری از جهانی شدن، باز کردن مرزها، توسعه وسیله‌های ارتباطی و متعاقباً به دنبال موقعیت‌های جدید، بازارها و درآمد جدید، نفوذ سازمان‌های مجرمانه بین‌المللی در این عرصه گسترش یافت (نیرنت و لارنت^۲، ۲۰۱۵: ۱۶۵). برای این، آنها مسیرهای جدیدی را باز کرده و زمینه‌های نو از فعالیت‌های مجرمانه را آزمایش می‌کنند. جرایم زیست محیطی یکی از این روش‌های جدید مجرمانه است که اقتصاد بحران زده جهانی و کشورها را مورد هدف قرار می‌دهد (ایبید^۳، ۲۰۱۵: ۲۱). بنابراین، در اواخر دهه ۱۹۹۰، پس از رسوایی‌های عمده بهداشتی و بزرگ از بلایای طبیعی مانند چرنوبیل^۴، بسیاری از دولت‌ها شروع به تدوین قوانین سختگیرانه‌تر برای اعمال مجازات‌های شدیدتر زیست محیطی کردند. پرونده‌ها و رسیدگی‌های مربوط به غرق شدن کشتی‌های آموکو کادیز^۵، اکسون والده^۶ و پرستیژ^۷ همچنین منجر به پیشرفت‌های عمده در حوزه حقوق محیط زیست شد.

جرم محیط زیستی رفتاری است که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی سلامت بشر می‌شود. منظور از آلودگی محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد (فرید، محمد امین و عسگر روزبه، ۱۳۹۵: ۵۲). ارتکاب جرم محیط زیستی در سه سطح وجود دارد. اول شامل جرم اتفاقی و گاه به گاه است. در حال حاضر، این سطح به بهترین وجه در قانون کیفری در نظر گرفته می‌شود. سپس سطح دوم مربوط به استراتژی شرکت‌ها است و در نهایت، آخرین آن جرم سازمان یافته است که بخشی از فعالیت‌های غیرقانونی، به ویژه قاچاق در این حوزه است (نیرنت و لارنت، ۲۰۱۵: ۱۷۰).

1. GUILLOT and Philippe
2. Neyret and Laurent
3. Ibid
4. Chernobyl

۵. یک تانکر لیبریاست که غرق آن در مارس ۱۹۷۸ در امتداد ساحل بریتانیایی باعث نشت نفت در این کشور شد و هنوز هم یکی از بدترین بلایای زیست محیطی در تاریخ است. Amoco Cadiz

۶. Exxon Valdez oil spill با غرق شدن این کشتی ۲۶۰ هزار بشکه در سال ۱۹۸۹ وارد دریای آلسکا شد.

۷. پرستیژ یک تانکر نفتی است که در نوامبر ۲۰۰۲ از کیپ فینیستر غرق شد. بیش از ۵۰۰۰ تن نفت سوخت وارد دریا کرد. Prestige

جرایم زیست محیطی یا جرایم علیه محیط زیست، جرایم زیست بوم یا همینطور اکوساید که مفاهیم نو کیفی‌راند همچنان تعریف جامعی که اکثر دولت‌ها پذیرفته باشند را ندارند. اما دو مبانی این مفهوم را پایه ریزی می‌کنند. ابتدا، وجود یک بنیاد اخلاقی و فلسفی که شرکت و همکاری همگان را در حفاظت از محیط زیست وظیفه می‌داند. سپس وجود یک بنیاد قانونی و عملی که جرایم زیست محیطی را نقض قانون زیست محیطی تلقی می‌کند. بدین ترتیب، جرم زیست محیطی به معیارهای غیرقانونی و تاثیر مضر بر محیط زیست اشاره دارد. هزینه این جرایم زیست محیطی می‌تواند به عنوان «آسیب جدی برای سلامتی، ایمنی و زندگی افراد و حیات وحش و همچنین آلودگی شدید زیستگاه، تنوع زیستی و تغییر آب و هوا باشد» (مانیرابونا آمیسی^۱، ۲۰۱۴: ۱۵۵). بدین ترتیب این شکل جدید از جرایم سازمان یافته نه تنها امنیت زیست محیطی، بلکه امنیت اقتصادی، بهداشت و امنیت اجتماعی، امنیت آب و هوا و امنیت ژئوپلیتیک کل مناطق را به خطر می‌اندازد^۲.

تمام این ملاحظات منجر به این سوال می‌شود که: قانونگذار ایرانی و فرانسوی چه پاسخ‌های کیفی به جرایم سازمان یافته در حوزه محیط زیست می‌دهند؟ در واقع ارتکاب جرایم زیست محیطی در حال گسترش است (۱)، عمدتاً به دلیل عدم تناسب کیفر در سطح ملی و بین‌المللی (۲). به این ترتیب، لازم است راه‌حلی برای بهبود حمایت کیفی از محیط زیست مورد توجه قرار گیرد (۳).

بخش اول: جرایم زیست محیطی، یک پدیده مجرمانه گسترده

جرایم محیط زیستی یک پدیده مجرمانه جدید و رو به رشد سریع است که ابتدا اندازه گیری مقیاس آن بررسی (الف) و سپس تعیین شکل و ویژگی‌های اصلی جرایم سازمان یافته بررسی می‌شود (ب).

الف) پدیده ی مجرمانه در حال توسعه: در واقع ما در مقابل یک پدیده پیش پا افتاده نیستیم، گرچه ارزیابی فعالیت‌های غیرقانونی به طور دقیق دشوار است اما جرایم زیست محیطی رتبه چهارم فعالیت‌های غیرقانونی در جهان را به عنوان فعالیت سودآورتر بعد از جرایم مواد مخدر، جعل و قاچاق انسان را دارد. مضافاً جنایات زیست محیطی با تنوع زیادی رو به رو است که به طور کلی، آنها مربوط می‌شوند به:

- انتشار آلاینده‌ها در آب، هوا، خاک یا سلامت انسان و یا اکوسیستم‌ها.
- تهدید به گونه‌های در حال انقراض توسط قاچاق آنها و یا نابودی زیستگاه آنها.

1. MANIRABONA Amissi

2. La conférence internationale « Sécurité et Crimes contre l'environnement » a réuni à Nîmes, 2015, à l'initiative d'INTERPOL, de Nîmes Métropole et du forum international des technologies de sécurité (FITS), de nombreux acteurs engagés dans la lutte contre la criminalité environnementale internationale.

- از طریق مدیریت ضعیف زباله‌های خطرناک، سمی و رادیواکتیو، به عنوان مثال، تجارت و انتشار مواد زائد یا مواد سمی در محیط زیست که دیگران یا محیط را تهدید می‌کنند.
- بهره برداری بیش از حد و غیرقانونی از منابع طبیعی: قطع غیرقانونی درختان، جنگل زدایی، ماهیگیری بیش از حد و...

● نقض قوانین زیست محیطی با عواقب جدی برای محیط زیست یا سلامت.

علاوه بر این، سازمان بین‌المللی پلیس کیفری، اینترپل، اخیراً انواع جدیدی از جرایم زیست محیطی مانند تجارت غیر قانونی کربن و مدیریت غیر قانونی آب را شناسایی کرده است. با توجه به عواقب این جرایم زیست محیطی چند جانبه، حوزه حیات وحش و تنوع زیستی، وضعیت بسیار نگران کننده ای خواهد داشت. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۳، بیش از ۱۰۰۰ کرگدن در آفریقای جنوبی کشته شد، در مقایسه با سال ۲۰۰۷ که این عدد ۱۳ بوده است.^۱ برای شکارچیان یک شکار نه بلکه گنج آبداری است زمانی که میدانند در ایالات متحده در ماه نوامبر ۲۰۱۴، یک کیلو پودر شاخ کرگدن با ۷۰،۰۰۰ دلار معامله شده است که دو و نیم بار گرانتر از یک کیلو کوکائین می‌باشد.^۲

در حقیقت، تاثیر جرم زیست محیطی سازمان یافته بسیار بیشتر از تخریب ساده "منابع طبیعی" می‌باشد. این امر همچنین با ایجاد تعارض و به خطر انداختن استفاده از حقوق اساسی مانند حق زندگی و امنیت، غذا، آب آشامیدنی و غیره بر امنیت انسانی تأثیر می‌گذارد (ایبید، ۲۰۱۳: ۱۵۳). تخریب جنگل به این ترتیب مردم بومی را از شیوه زندگی آنها محروم می‌کند، در حالی که تجارت غیرقانونی چوب موجب از بین رفتن لایه اوزن و متعاقباً باعث انواع بیماری‌هایی مانند سرطان پوست یا تضعیف سیستم ایمنی بدن می‌شود.^۳

چگونه می‌توان رشد سریع این جرایم در سال‌های اخیر را توجیه کرد؟ به نظر می‌رسد که این می‌تواند با عبارت "سود بالا، خطر کم" توضیح داده شود. در واقع، این یک بازار پرسود و کم خطر برای قاچاقچیان است و این مسئله به ویژه در کشورهای در حال توسعه بسیار جدی است^۴، چراکه این کشورها با فقدان ابزارهای قضایی کافی مواجه‌اند و اغلب قادر به بهره برداری و حفاظت از منابع طبیعی خود نیستند. بدین ترتیب، جرایم زیست محیطی جایگاه مهمی در این کشورها دارد چرا که ضعف نظارتی و متعاقباً فساد در آن‌ها بسیار زیاد است و این ضعف نظارتی باعث می‌شود هزینه ارتکاب جرم برای قاچاقچیان کم و سود آن زیاد باشد. در واقع ما با بخشی

1. Agence France-Presse (AFP), 2014.

2. Selon les chiffres du US Fish and Wildlife Service (USFWS).

۳. علاوه بر این، در سپتامبر ۲۰۰۶ تخلیه ۵۸۱ تن زباله سمی توسط تانکر پروبو کوالا، باعث مرگ ده‌ها تن و همچنین موجب بیماری تنفسی هزاران نفر در بندر آبیجان شد

۴. این برداشت برخاسته از چارچوب نظری اقتصاد جرم (تجزیه و تحلیل هزینه/سود از فعالیت) گری بکر است. بر این اساس، اطلاع فرد از میزان مجازات تا حدودی در اجرای قصد مجرمانه او مؤثر خواهد بود؛ یعنی هرچه میزان مجازات بیشتر باشد به تبع آن از میزان تمایل به ارتکاب جرم کاسته خواهد شد. با این وجود باید این نکته را نیز مورد توجه قرار داد که اگر با وجود تشدید مجازات، ارتکاب جرم برای مجرم همچنان لذت بخش باشد، میزان بازدارندگی کیفر کاهش خواهد یافت

مواجه هستیم که در آن نسبت ریسک و سود به شدت سودآور است به علت فقدان کیفر واقعا پیشگیری کننده در کشورهای که از آن جرایم متاثر می شوند، از آنجایی که آنها ابزارهای واقعی ندارند یا واکنش های کیفری را اعمال نمی کنند. بنابراین ما با سود کلان برای مجازات های جزئی روبرو هستیم. از طرفی دیگر جرایم زیست محیطی دو مزیت دیگر را برای قاچاقچیان این حوزه دارد. ذخایر بالقوه تقریبا بی نهایت هستند: جنگل های گرانبها، منابع معدنی، حیوانات... و تقاضاها در حال افزایش است، به ویژه به دلیل «طبقه غنی آسیایی که به دنبال لوکس، اشیاء نادر، فریبنده و به اصطلاح معجزه آساند» (مایکل، بادت و لموند، ۱۵: ۲۰، ۲۴). به عنوان مثال، بسیاری از خریداران چینی و ویتنامی بر این باورند که شاخ کرگدن، ساخته شده از کراتین، همه چیز را بهبود می بخشد، حتی سرطان!

بدین ترتیب، میزان گردش مالی جرایم زیست محیطی به طور متوسط تقریبا ۱۹۰ میلیارد یورو در سال است. طبق گزارش منتشر شده توسط اینترپل و برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴، این نوع جرم درآمد بین ۷۰ تا ۲۱۰ میلیارد دلار در سال را فقط برای قاچاق حیوانات و محصولات جنگلی داشته است. در واقع، این تجارت غیرقانونی چوب است که بیشترین سود را به همراه دارد که سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برای قاچاقچیان به ارمان می آورد، مناطقی که بیشترین آسیب را از این پدیده متحمل می شوند: آمازون، آفریقای مرکزی و جنوب شرقی آسیا است که ۵۰ تا ۹۰ درصد تجارت غیرقانونی در آنجا انجام می گیرد. به گفته کمیسیون اروپایی، بازار غیرقانونی چوب سالانه ۳۰ درصد از بازار جهانی را در سال ۲۰۱۴ به خود اختصاص داده است. سپس مواد معدنی، جانوران، ماهیگیری و در نهایت زباله ها می آیند.

در واقع کسب و کار در این حوزه شکوفاست، در نتیجه جرایم زیست محیطی به طور چشمگیری افزایش می یابد. جرم زیست محیطی به لحاظ تنوع، حجم و ارزش مالی، به صورت گسترده رشد می کند. جرایم زیست محیطی در حال رشد قابل توجهی در سطح بین المللی است و فرانسه از این امر مستثنی نیست، زیرا جرایم زیست محیطی بیش از ۷۰،۰۰۰ جرم را در این کشور تشکیل می دهد. علاوه بر این، در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲، در فرانسه، میزان جرایم در این حوزه به طور کلی ۲۰ درصد افزایش یافته است. به طور خاص، تخلفات حیات وحش بین سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ به میزان ۴۰ درصد افزایش یافته است. بدین ترتیب، جنایت زیست محیطی یک جنبه جدید جرم سازمان یافته است که به طور مداوم در جهان افزایش می یابد و مشخصه شبکه ای گرفته است.

ب) شکل جدیدی از جرایم سازمان یافته: طبق گزارش اداره مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، جرایم زیست محیطی "شکل جدید و برآیند جرم سازمان یافته است". بنابراین، جرایم زیست محیطی

1. BAUDET, MICHEL and Le Monde
2. PNUE et Interpol, 2012.
3. Observatoire national de la délinquance et des réponses pénales.
4. Observations faites par Laurent Neyret et les chiffres clés de la justice 2013.

«یک مشکل عمده در جامعه فرانسوی است که ۲۵ درصد از جرایم سازمان یافته را تشکیل می‌دهد». بنابراین ما از یک مافیای زیست محیطی صحبت می‌کنیم تا متخلفان این جرایم را تعیین کنیم، زمانی که روش‌های آنها در قالب جرایم سازمان یافته است.

از نظر کنوانسیون پالمو، یک سازمان جنایی به عنوان «یک گروه سازمان یافته با وجود سه شخص یا بیشتر که برای مدت زمانی وجود داشته است، تعریف شده است و به منظور انجام یک یا چند جرم شدید (...) که برای به دست آوردن مزایای مالی یا دیگر مزیت‌های مادی تعریف می‌شود». در حقوق ایران قانون مبارزه با قاچاق کالا مصوب ۱۳۹۲ در بند ۱ ماده ۱ قاچاق سازمان یافته را این گونه تعریف میکند که: «قاچاق سازمان یافته: جرمی است که با برنامه ریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق، تشکیل یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم قاچاق منحرف شده است صورت می‌گیرد.» در واقع، وضعیت در این حوزه ثابت می‌کند که این شکل جدید جرم یک پدیده بسیار پیچیده است و مشخصه جرم سازمان یافته است. گرچه برخی از جرایم زیست محیطی با ماهیت اتفاقی و گاه به گاه هستند اما اکثریت قریب به اتفاق آنها در شبکه‌های مجرمانه سازمان یافته هستند. در مورد این پدیده جدید جرم سازمانی بایستی مدعی شد که مرتکبان فعال جرایم سازمان یافته در حال حرکت به سمت جرایم محیط زیست هستند تا منابع غنی خود را متنوع و گسترده کنند.

در سطح جهانی، با ایجاد ابزارهای نسبتاً موثر برای مبارزه با مواد مخدر، جعل، قاچاق انسان و یا جرایم مالی - اقتصادی، مواجه هستیم که متعاقباً سازمان‌های مجرمانه بزرگ مانند مافیای آمریکا، کوزووا، آلبانی‌ها و یا کارتل‌های کلمبیا به دنبال منابع جدید سود که کمتر مورد نظارت و کنترل قرار می‌گیرند، هستند. بنابراین ما با یک پدیده تصادفی و چرخه‌ای نه بلکه با یک جرم ساختاری و چند رشته‌ای مواجه هستیم. این جرایم زیست محیطی از نظر مجازات بسیار ناکافی و همزمان بسیار سودمندند و کمترین خطر را در مقایسه با افرادی که مرتکب قاچاق مواد مخدر می‌شوند دارند.

«جنایات محیطی معمولاً توسط گروه‌های ساختارمند و سازمان یافته با وسایل ارتباطی مدرن انجام می‌شوند» (مانیرابونا آمیسی، ۱۵، ۲۰: ۱۵۶). در واقع، این جرایم عموماً نتیجه طیف وسیعی از اپراتورها در داخل و خارج از کشور با استفاده از روش‌های متقلبانه برای فرار از اجرای قانون است. بنابراین، برای کل بخش‌ها، مانند جنگل‌ها، حیوانات وحشی یا ماهی‌گیری، منافع جنایی بخش‌های سازمان یافته و ساختاری ایجاد کرده‌اند. پرونده برزیلی جورپاری^۱ در مورد جنگل زدایی غیرقانونی جنگل آمازون نیز نشان دهنده پیچیدگی جاری رسیدگی به جرایم زیست محیطی است. در این مورد، مرتکبان متهم به فساد، مجوز رسمی برای قطع درختان و تجارت چوب را به دست آورده بودند. اما چطور؟ با ادعا و اسناد جعلی درباره ماهیت و مالکیت سرزمین‌های مربوط و ارائه طرح‌های مدیریت جنگل فانتزی و رشوه دادن به مقامات دولتی! در این مورد، که تا کنون محاکمه نهایی نشده است، ۱۷۲ نفر متهم به جرم رشوه دادن، فساد و مشارکت در سازمان مجرمانه هستند. این مورد

1. Opération Jurupari

نشان می دهد که برخی از شبکه های مجرمانه قوی تر از برخی از دولت ها عمل می کنند و توانایی سازمانی و مالی آنها را می توان با صنایع قدرتمند مقایسه کرد.^۱

علاوه بر این، مطلب انتقادبرانگیزتر اینکه جرایم زیست محیطی، انواع دیگر جرایم سازمان یافته را تشکیل می دهند. در جنایات زیستی، جرم های زیست محیطی اغلب با جرایم دیگر در هم آمیخته اند در حقیقت جرم علیه محیط زیست شامل جرایم سازمان یافته است که به شکل های دیگری از جمله جرم، قتل، فساد، تقلب، سرقت، پولشویی، فرار از مالیات، قاچاق انسان و غیره منجر می شود. به عنوان مثال، اینترپل اشاره کرد که مجرمان و مرتکبان فروش کربن در جعل، اختلاس، پول شویی و جرایم سایبری مشارکت دارند.^۲ علاوه بر این، خرید و فروش غیر قانونی منابع زیست محیطی، مانند سوخت های فسیلی یا جنگل ها، یکی از راه های پولشویی است و به طور کلی این کار در رابطه با افزایش فساد، کلاهبرداری، سرقت و قتل به مردم بومی آسیب می رساند.^۳ بدین ترتیب، جرایم سازمان یافته و فراملی زیست محیطی، "تهدیدی جدی برای محیط زیست" و مشکلی است که نیاز به یک پاسخ قانونی قوی و موثر و ابتکاری بین المللی برای حفاظت از منابع طبیعی، مبارزه با فساد و خشونت مرتبط با این نوع فعالیت ها است که می تواند بر ثبات و امنیت یک کشور تأثیر بگذارد.

بخش دوم: ابزارهای ناکارآمد حاضر برای برخورد با جرایم سازمان یافته محیط زیستی
انفجار و گسترش جرایم زیست محیطی را می تواند نتیجه ناکافی بودن ابزار قانونی و مادی ملی (الف) و بین المللی (ب) دانست.

الف) ابزارهای ملی

مشکل این جرایم این است که آنها به عنوان اولویت های ملی-فراملی محسوب نمی شوند و منابع زیادی برای مبارزه با آنها صرف نمی شود. و هنگامی که قاچاق متوقف می شود، این جرایم به ندرت مورد تعقیب قرار می گیرند. با این حال این طیف از جرایم مستحق پاسخ قوی از طرف کشورها و جهان هستند چراکه همه انسان ها را تحت تاثیر قرار می دهند. فراتر از این عدم علاقه، دولت ها به ویژه قوانین داخلی و فقدان منابع مادی، بیانگر این نکته است که آنها نگران جرایم زیست محیطی نیستند. با توجه به تعداد زیاد جرایم محیط زیستی در فرانسه

۱. منطقه ناپل مورد مطالعه دیگری است که می توان به آن اشاره کرد. در این منطقه، دفن زباله های عمومی اشباع شده و شرکت های جمع آوری زباله در دست کمورا، مافیای ناپولیتی است که یکی از فعالان کلیدی در قاچاق زباله های سمی است. از سال ۲۰۰۰، چندین دستورالعمل، تولیدکنندگان ایتالیایی را مجبور به دفع زباله های خود کرده اند با توجه به پیش بینی نشدن منابع برای این هزینه های اضافی، یک چهارم زباله های سمی در این منطقه در حوضچه های وحشی ناپدید شده یا به کشورهای فقیر مثل سومالی صادر شده است.

2. Interpol, 2013

۳. در اسپانیا، پلیس یک گروه جنایتکار متشکل از ۱۵ نفر که قاچاق گونه های محافظت شده حیوانات را انجام می دادند را دستگیر کرد. این قاچاقچیان نیز به تقلب و استفاده از سند جعلی متهم شده بودند زیرا آنها سعی داشتند منشاء غیرقانونی پرندگان را با استفاده از این اسناد جعلی مخفی کنند

می‌توان از «ناکارآمدی مزمن» قوانین کیفری این کشور سخن به میان آورد. با این حال، ضعف نهادهای دولتی و همچنین فشار و علافه برای جذب سرمایه گذاری موجب می‌شود برخی از مرتکبان جنایات زیست محیطی بین‌المللی از اجرای قانون فرار کنند. این جرایم اغلب در کشورهایی که به طور کلی مقررات و ضوابط در این حوزه کم و یا تنظیم نشده است، گسترش می‌یابد. بدین ترتیب، مرتکبین ترجیح می‌دهند اقدامات ظاهراً قانونی را در این کشورها انجام دهند، در حالی که اگر در کشور خود مرتکب شوند، غیرقانونی خواهد بود. در حقیقت، اگر تعیین تعریف و کیفر جرایم مربوط به محیط زیست به هر کشور واگذار شود این ریسک را موجب می‌شود که تعاریف این جرایم از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد.

در حقوق فرانسه، چنین فقدان کارآمدی به چند دلیل است. اولاً، مجازات‌های جرایم زیست محیطی بین چندین قانون مانند قانون محیط زیست^۱، قانون جنگل^۲ و قانون مجازات تقسیم می‌شود که دسترسی آن را تضعیف می‌کند (گایلو و فیلیپ، ۲۰۱۰: ۱۰). علاوه بر این برخی استراتژی‌های بز هکاری به ویژه جرایم شرکت‌ها در حوزه جرایم زیست محیطی کیفرگذاری نشده است. همچنین به نظر در قانون مجازات، قانونگذاری ناقص وجود دارد که گاهی منجر به تبرئه، یا کاهش مجازات می‌شود. در نهایت، اغلب کیفرگذاری جانشینی است که حفاظت از ارزش اجتماعی دیگر، مانند کلاهبرداری، تقلب و... است که منجر به اعمال کیفر می‌شود. در جرایم زیست محیطی در سطح تقنینی، شاهد گونه‌ای پراکندگی قوانین در حقوق ایران نیز می‌باشیم. پراکندگی قوانین، آسیب‌های زیادی را در طرح هر نوع راهبرد مؤثر و تأثیرگذار در برخورد با دسته معینی از جرایم از خود به جای می‌گذارد^۳.

در روبه، تعداد کمی از این جرایم مورد استفاده قضات قرار می‌گیرد که اغلب تمایلی به مجازات مناسب مرتکبین به دلیل فقدان قوانین زیست محیطی ندارند. در سطح قضائی موضوع بغرنج تر می‌شود، چرا که نظام قضائی می‌تواند با طراحی یک راهبرد منسجم و مشخص در برخورد با جرایم زیست محیطی تا حد زیادی خلأها و کاستی‌های صورت گرفته در سطح تقنینی را جبران نماید. اگر چنین راهبردی در سطح قضائی وجود نداشته

1. Le Code de l'environnement.

2. Le Code forestier.

۳. یکی از قوانین قابل طرح در جرم انگاری صورت گرفته در خصوص جرایم زیست محیطی، قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم مصوب ۹۴/۱۱/۱۳ است که به موجب آن خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آبها و آتش زدن جنگلها و یا تولید، تملک، اکتساب، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت غیر قانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق سموم، عناصر و مواد هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست شناسی (بیولوژیک) جرم انگاری شده است. طراحی پاسخ در ارتباط با جرایم زیست محیطی در ذیل یک قانون کاملاً غیر مرتبط با این جرایم نمی‌تواند به یک طراحی پاسخ دهی منسجم و یک راهبرد مؤثر و هدفمند در بستر یک استراتژی کلان کمک نماید. زیرا از یک سو مجازات‌ها نمی‌توانند از تناسب لازم برخوردار باشند و این موضوع منجر به عدم تناسب مجازات‌ها با شدت جرایم ارتکابی شود و از سوی دیگر ممکن است برخی عناوین مجرمانه مورد توجه قانونگذار قرار نگیرد چرا که این جرایم در کنار یکدیگر مورد توجه نظام تقنینی قرار نگرفته است.

باشد نه تنها تشتت و چندگانگی و ابهام قوانین را در حوزه ی تقنینی حل نمی نماید بلکه سیاست های پاسخ دهی به معضلات و دشواری های بزرگتری هم مواجه می گردد. نظام قضائی نمی تواند بی کفایتی یک نظام اجرایی را بهانه قرار داده و از عملکرد مؤثر گریزان باشد. نظام قضائی مهمترین نظام در سطح یک سیاست بزرگ و کلان پاسخ دهی است و در نوک پیکان سیاست های پاسخ دهی قرار دارد و نمی تواند به بهانه ناکارآمدی یا عدم پاسخ دهی مراجع و نهادهای اجرایی از طراحی چنین راهبردی شانه خالی کند. به عنوان مثال، دادگاه حسابرسی فرانسه اشاره کرده است که در حوزه حفاظت از آب، در کنترل های انجام شده توسط سرویس های دولتی، "تنها ۱ درصد منجر به مجازات" می شود^۱. علاوه بر این، میزان مجازات ها به ندرت بازدارنده است در مقایسه با سودی که احتمالاً با ارتکاب تخلفات زیست محیطی به دست می آید. در واقع، جریمه های نقدی اعمال شده در این حوزه بازدارنده نیست، با توجه به اینکه این جرایم مداوم در طول چند سال با آسیب هایی که به محیط زیست و سلامت عمومی وارد می کنند سود قابل توجهی دارند،

این انتقاد به فرانسه منحصر نیست. به عنوان مثال، در ایران در مورد جرایم زیست محیطی، قانونگذار کیفی و قضات به این کارکرد کیفر با اعمال مجازات از نوع جزای نقدی جامه عمل پوشانده، به نحوی که این موضوع را می توان در مجازات مقرر در قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ مشاهده نمود، هر چند که به غیر از قانون مزبور که اخیراً وضع شده و یا موارد معدودی مانند مصوبه ۱۳۹۶/۸/۲۳ هیأت وزیران که به موجب آن میزان جرایم موضوع مواد ۴۲ و ۴۳ و ۴۶ و ۵۰ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ افزایش یافته است، مجازات های زیست محیطی از شدت و بازدارندگی کافی برخوردار نبوده است. این امر از ضعف های بارز سیاست کیفی تقنینی محسوب می شود که باید در کنار این مجازات، به دنبال وضع مجازات های جدیدی برآید تا آثار بازدارندگی خاص و عام را به دنبال داشته باشد. با بررسی اغلب قوانین و مقررات زیست محیطی، رویکرد بازدارنده بودن کیفر مشاهده نمی شود، زیرا عموم قوانین وضع شده در این مورد، قدیمی و ضمانت اجرای آن نیز جزای نقدی با مبالغ غیر قابل توجه می باشد، به همین لحاظ فاقد اوصاف لازم و مناسب جهت تأثیر گذاری می باشد و با توجه به میزان اعلامی نرخ تورم و نوسان های ارزش پول، تعادل بین جزای نقدی به عنوان مجازاتی که اثر ارعابی و بازدارندگی خود را داشته باشد و نرخ تورم و وضعیت اقتصادی، امری ضروری است تا بدین وسیله مجازات مزبور بتواند کارایی و اثر خود را داشته باشد و از آنجا که فرایند قانونگذاری تابع تشریفات خاص خود بوده و عملاً طولانی مدت و زمان بر می باشد. این اندازه از کیفر خصیصه بازدارندگی جرم را تامین نکرده و مجازات را ناکارآمد جلوه می دهد. بنابراین رویه فرانسه در کیفر جرایم زیست محیطی، نشانه ای از آنچه در سایر نقاط جهان اتفاق می افتد تداعی می کند.

علاوه بر این، جرایم زیست محیطی اغلب شامل شبکه های جنایتکارانه ای در پشت شرکت های دیگر هستند. پیچیدگی این جرایم خارج از ظرفیت قانونی و پلیس یک کشور واحد است و نیاز به ترکیب و همکاری کشورهای بیشتری را دارد. بنابراین، صرف نظر از فقدان قوانین مؤثر ملی، برخی کشورها نیز نهادهای کافی، فن آوری و

منابعی کافی برای جلوگیری از این پدیده رو به رشد را ندارند. در واقع، این جرایم توسط یک قدرت سیاسی، مالی و نظامی از مرتکبان و معاونان قوی صورت می‌گیرد که نیاز به دخالت مشترک چندین نهاد ذیصلاح از قبیل نظامیان، پلیس تحقیق و اطلاعات، افسران گمرک و مرزها، متخصصان و غیره را می‌طلبد. این مبارزه کارآمد همچنین نیازمند به زمان، منابع مالی قابل توجه و تکنولوژی پیشرفته دارد. بسیاری از کشورها این منابع را ندارند، گرچه، همانطور که دیدیم، جنایت زیست محیطی اغلب در کشورهای فقیر و در حال توسعه رخ می‌دهد. در حقوق ایران موضوع حفاظت از محیط زیست هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی مورد تاکید واقع شده است، اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان میدارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» همچنین ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) بیان میدارد: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود ممنوع میباشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد... تبصره ۲ - منظور از آلودگی محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را بطوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.»

در بیشتر موارد قضات دادگاه‌ها تمایل دارند که از مجازات حبس مذکور در ماده ۶۸۸ استفاده نکنند و حکم به جزای نقدی بدهند. در بررسی پرونده‌های متعدد موجود در یکی از ادارات کل حفاظت محیط زیست در سالهای ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۱ ملاحظه گردید که برخی از افراد که مدیریت کارخانجات تولید شمش مس و یا تولید شمش روی را بر عهده داشته‌اند، با وجود اینکه چندین بار به جرم تهدید بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست مجازات شده بودند (حکم به پرداخت جزای نقدی)؛ اما مجدداً به فعل مذکور مبادرت ورزیده اند؛ که این امر نشان از عدم بازدارندگی مجازات جزای نقدی برای صاحبان و مالکان کارخانجات مرتکب به جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست دارد (نجات، سید امین و فرهاد دبیری، ۱۳۹۴: ۱۹۱). یکی از گام‌های مثبت قانونگذار ایران در مواجهه با جرایم زیست محیطی، به رسمیت شناختن سازمانهای مردم نهاد در پیگیری این نوع جرایم بوده است. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار میدارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند...». اعطای سمت قانونی لازم به سازمانهای غیردولتی برای اعلام جرم، طرح دعوا، ارائه ادله و مدارک اثبات جرم، شرکت در کلیه مراحل رسیدگی به جرم تحولی عمده است که از یک سو رفع یکی از خلاءهای موجود در نظام حقوقی ایران و از سوی دیگر، تضمین مشارکت مؤثر این سازمانها در اجرای هنجارهای زیست محیطی را

موجب میشود؛ افزون بر این، تحقق مشارکت مؤثر چنین نهادهایی در فرآیند کیفری، گسترش متولیان حفاظت از محیط زیست، از متولیان دولتی به غیردولتی را در پی دارد (رمضانی قوام آبادی، محمد حسین، ۱۳۹۰: ۲۲۳).

ب) ابزارهای بین‌المللی

مدتها طول کشید که جامعه به این حقیقت پی ببرد که حفظ محیط زیست با حیات انسانها رابطه تنگاتنگی دارد. از همین رو در دهه‌های اخیر تلاش‌هایی در سطح بین‌المللی برای جلوگیری از آسیب‌های زیست محیطی صورت گرفته است. اما تا به امروز این اسناد نتوانسته است مانع روند فزاینده جرایم علیه محیط زیست شود و یکی از مهمترین دلایل این ناکامی این بوده است که این اسناد از ضمانت اجرای موثری برخوردار نبوده‌اند (رمضانی قوام آبادی، محمد حسین، ۱۳۹۰: ۲۲۳). مبارزه با جرایم سازمان یافته و بین‌المللی زیست محیطی با چالش‌های بسیاری مواجه است مانند استراتژی‌های متناقض، عدم همکاری، اجرای ضعیف قوانین، عدم تعهد سیاسی، فساد بومی و همچنین عدم تجزیه و تحلیل و درک مناسب از این جرایم.

دفتر جرایم و مواد مخدر سازمان ملل معتقد است که موانع مبارزه علیه پدیده جرم‌های زیست محیطی توسط دولت‌ها ناشی از عدم توجه و اهمیت به جرایم انجام شده در خارج از کشور، عدم درک پدیده‌های مجرمانه محلی، عدم آگاهی، عدم تطابق با ابزارهای قانونی بین‌المللی و درک متضاد در سطح جهانی و منطقه ای است. به نظر میرسد ضروری است که ماهیت جهانی بسیاری از اثرات مخرب جرایم زیست محیطی، همکاری بهتر نهادهای نظارتی - پلیسی، تسهیل در پیشرفت مشاهدات ماهواره ای و ارتباطات روشن شود. با این وجود، اولین تلاش مشترک، توسط اینترپل ایجاد شده است که یک سیستم از فرم به اصطلاح اکومسیج برای برقراری ارتباط داده‌ها را در یک قالب استاندارد، از طریق لینک‌های امن ایجاد و با یک کپی از هر پیام ارسال شده به دبیرخانه عمومی اینترپول ایجاد شده است.^۱ این فرم‌ها بایستی با استفاده از پایگاه داده‌های اینترپل در مورد جرایم محیط زیستی سازمان یافته، همخوانی احتمالی با سایر اطلاعات را داشته باشد. اکومسیج از خدمات پلیس منشأ می‌گیرد و برای سایر خدمات پلیس نیز در نظر گرفته شده است، اما همچنین برای همه "مقامات صالح معین با اختیارات تحقیقاتی مانند خدمات حفاظت از محیط زیست یا مقامات حفاظت از حیات وحش در دسترس هستند".

همانند اینترپل، ما نباید نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با جرایم زیست محیطی را نقض کنیم، با اشاره به قطعنامه آن در مورد نقش قانون کیفری در حفاظت از محیط زیست.^۲ سازمان ملل در حال حاضر در سال ۱۹۹۴، ماهیت فراملیتی برخی نقض‌های محیط زیست را گزارش کرد. یک سال بعد، این سازمان فهرستی از ۱۸ جنایات فرامرزی را تشکیل داد و یکی از آنها جنایات زیست محیطی بین‌المللی بود.

بنابراین، علیرغم اندازه اهمیت آن، جنایت زیست محیطی هنوز به عنوان یک جرم کافی و پراهمیت برای

1. ecomessages

2. Résolution de 1994

جامعه بین‌المللی محسوب نمی‌شود. این عدم اهمیت به این دلیل است که هیچ سند بین‌المللی برای مقابله با این پدیده به طور کلی و اختصاصی تصویب نشده است. در واقع، بسیاری از جنبه‌های جنایی زیست محیطی هنوز تحت هیچ سندی آورده نشده‌اند حوزه‌های مهم مانند ماهیگیری غیرقانونی، دفع زباله‌های الکترونیکی در محیط زیست، آلودگی فراملی و گسترده یا قطع درختان از تصویب هیچ معاهده یا توافق نامه‌ای نگذشته است. بنابراین، علی‌رغم برخی از ابتکارات، هنوز هم اسناد بین‌المللی محیط زیست، مانند قوانین ملی فرانسه و ایران، منسجم و کافی نیستند اما متشکل از چندین متن پراکنده است که به دنبال تنظیم و ضابطه‌مندی حوزه‌های مختلف هستند، مانند جلوگیری از آلودگی دریایی از کشتی‌ها^۱، حرکات ترابری زباله‌های خطرناک یا تجارت بین‌المللی در حیات وحش در معرض انقراض.

در زمینه زباله‌های خطرناک، می‌توان از پروتکل مونترال در مورد موادی که باعث تخریب لایه ی اوزون می‌شود اشاره کرد^۲. سپس کنوانسیون بال در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید تا کنترل بین‌المللی جنبش‌های مرزی و دفع زباله‌های خطرناک را برای سلامت انسان و محیط زیست تسهیل کند. از سوی دیگر، کنوانسیون روتردام^۳ صادرات و واردات ۴۳ محصول و دسته‌های مواد شیمیایی خطرناک را، بیشتر شامل آفت‌کش‌ها را ممنوع می‌کند. در نهایت، کنوانسیون استکهلم در سال ۲۰۰۱ برای تنظیم حریم بین‌المللی برخی از آلودگی‌های پایدار آلی تصویب شد. هدف این کنوانسیون حذف و یا محدود کردن تولید و استفاده از تمام آلودگی‌های آلی پایدار تولید شده به طور عمدی، مانند مواد شیمیایی صنعتی و آفت‌کش‌ها، و همچنین موارد ناخواسته تولیدی مانند دیوکسین‌ها و فوران‌ها است. سپس متون خاص مربوط به تجارت در حیات وحش حفاظت شده وجود دارد. دو کنوانسیون در این حوزه قابل اشاره است، کنوانسیون تجارت بین‌المللی گیاهی و جانوری^۴ و کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر حیوانات وحشی^۵.

با این حال، این ابزارها و اسناد "تخصصی" مختلف دارای نقاط ضعف فراوان است. بنابراین، اکثر آنها "قدیمی" هستند و دیگر واقعیات فعلی جرایم زیست محیطی را بازتاب نمی‌دهند، از جمله این واقعیت که این جنایت اکنون "سازمان یافته" است (نیرت ولارنت، ۲۰۱۵: ۱۷۸).

به عنوان مثال، اسناد در مورد مواد خطرناک، لیست محصولاتی را که از توزیع منع شده یا مجوز اداری ندارند، پیش‌بینی می‌کند. با این حال، فرایند دست و پاگیر اجازه نمی‌دهد که این لیست‌ها را به سرعت به روزرسانی کرد. در واقع، لازم به ذکر است که این اسناد میزان قابل توجهی برای مانور دادن به کشورهای عضو برای اعمال مجازات‌هایی که برای محیط زیست مضر هستند داده است که اشاره به تعهد "اقدامات مناسب" اتخاذ کردن یا

1. Convention Marpol, 1973.
2. Accord internationale signé le 22 mars 1985.
3. Convention internationale du 10 septembre 1998 engagée par le PNUE.
4. CITES ou Convention de Washington, 1993.
5. CMS ou Convention de Bonn, 1979.

تعهد به "شدت مجازات" می‌شود. علاوه بر این، در مورد قوانین اروپایی، دستورالعمل^۱ حفاظت از محیط زیست از طریق قانون کیفری^۲ فهرستی از رفتارهایی را که قابل مجازات هستند را ارائه و از دولت‌ها می‌خواهد که آنها را به درجه جنایات ارتقا دهد. اعمال مجرمانه شناخته شده توسط این دستورالعمل باید غیرقانونی باشد، به این معنی که آنها جرایمی هستند که شناخت آن بستگی به مقررات داخلی دارد، که ممکن است از یک کشور به کشوری دیگر متفاوت باشد. این روش که به موجب این دستورالعمل اعمال می‌شود بدون شک هماهنگی مجازات‌ها را محدود می‌کند. در مورد مجازات‌ها، این دستورالعمل به سادگی دولت‌ها را دعوت می‌کند تا مجازات‌های کیفری مؤثر، متناسب و مجازی را بدون مشخص کردن کمیّت آن، اتخاذ کنند.

در نتیجه، متأسفانه باید ادعا کرد که در حال حاضر در قوانین بین‌المللی و اروپایی، با فقدان رفتار یا برخورد جامع علیه جرایم زیست محیطی و مجازات‌های کافی مواجه هستیم، متن‌هایی که رفتارهای متفاوتی از مبارزه با جرایم زیست محیطی مطابق با نوع جرم و با توجه به نظر دولت‌ها را اجازه می‌دهد. به عنوان مثال، کمیسیون اروپایی بیان می‌دارد که میزان مجازات برای جرم قاچاق حیوانات وحشی بین کشورهای عضو کاملاً متفاوت است. در بعضی از آنها حداکثر مجازات کمتر از یک سال حبس است که مانع بازدارندگی احتمالی می‌شود و اغلب از استفاده ابزارهای بالقوه مفید برای تحقیقات مرزی یا ملی و نیز از همکاری قضایی جلوگیری می‌کند. با توجه به نقایص قوانین ملی و قوانین بین‌المللی و اروپایی در مبارزه با جرایم زیست محیطی و همین‌طور اهمیت منافع در معرض خطر و با توجه به ظهور این جرایم سازمان یافته، حفاظت از محیط زیست و انسان‌ها ضروری است.

بخش سوم: اجرای راه حل‌های متجسم

قانون کیفری، نقاط ضعف خود را در مجازات جرایم علیه محیط زیست نشان داده است. با این حال، راه حل‌هایی که از طرف دکترین به شدت پشتیبانی می‌شوند، وجود دارد که قوانین محیط زیستی را به ابزاری مؤثر و بازدارنده تبدیل می‌کند.

الف) ارتقای سطح رسیدگی‌ها

قانون محیط زیست یک حقوق بسیار فنی و پیچیده است. در حقوق فرانسه بعضی از شاخه‌های آن تخصصی می‌باشد؛ یک مثال، قانون به اصطلاح "خاص" زباله است که تعدد قوانین و آیین‌نامه‌ها در این حوزه موجب درک و رسیدگی سخت به این جرایم می‌شود (فاسییر^۳، ۱۷: ۲۰۵۲۷). ویژگی پیچیدگی قانون کیفری محیط زیست با این واقعیت که این قوانین از طرف دادگاه‌ها در رویه خیلی کم مورد استفاده قرار می‌گیرند تشدید

1. Directive du 19 novembre 2008.
2. La directive relative à la protection de l'environnement par le droit pénal.
3. Communiqué relatif à la lutte contre le trafic d'espèces menacées.
4. Fossier

شده تا تنها چند بار در سال با این اختلافات مواجه شوند. این مورد مخصوصاً برای دادگاه‌های کیفری صادق است. به همین دلیل اولین راه حل برای تقویت اثربخشی نظام کیفری در این حوزه تقویت آموزش قضات از طریق دانشکده ملی قضائی^۱ فرانسه است. در حال حاضر، دانشکده ملی قضائی، تنها یک دوره آموزشی سالانه حقوق محیط زیست را برای ۵ روز برای قضاتی که در حال حاضر در مسند قضا هستند، فراهم می‌کند. آموزش واقعی در این زمینه، درس حقوق حیوانات را که از سال ۲۰۱۸ برگزار می‌شود را کامل می‌کند. در حقوق ایران درصد بسیار اندکی از بخشنامه‌های رئیس قوه قضائیه به جرایم زیست محیطی اختصاص یافته است، و با توجه به این که برگزاری کلاسها و دوره‌های آموزشی در حوزه جرایم زیست محیطی در نظام قضائی ما بسیار اندک است و رابطه ی نظام قضائی با نهادهای غیر دولتی و مردمی در جهت شناسایی جرایم مذکور و پاسخ دهی به هنگام و قبل از بروز فاجعه به یک امر نادر و استثنایی مبدل شده است، از نقاط ضعف دستگاه قضائی در رسیدگی به این جرایم می‌باشد.

تأسیس نهادهای قضایی اختصاصی رسیدگی کننده به مسائل زیست محیطی اقدام مناسبی در جهت مقابله کیفری با جرایم زیست محیطی بشمار می‌آید (فرید، محمد امین و عسگر روزه، ۱۳۹۵: ۵۸). برخی از نویسندگان حتی به امکان ایجاد «دادگاه‌های سبز» یا حداقل شعبه‌های تخصصی از حوزه‌های قضایی موجود، که تنها به دادرسی‌های محیط زیست بپردازند اشاره کرده اند (ریواد^۲، ۲۰۱۷: ۵۲۲). اما در واقع، در حال حاضر در حقوق فرانسه هیچ صلاحیت یا رسیدگی تخصصی در حوزه محیط زیست وجود ندارد. با این وجود، حوزه‌های تخصصی ساحلی که دارای صلاحیت «برای تحقیق، تعقیب قانونی، بازپرسی و در مورد جنحه، رسیدگی و محاکمه جرائم مربوط به نقض اموال فرهنگی دریایی^۳» وجود دارند و همینطور بخش‌های بهداشت عمومی، که در دادگاه‌های کیفری ایجاد شده‌اند برای تحقیق، تعقیب قانونی، بازپرسی و در مورد جنحه‌ها، رسیدگی و محاکمه به تخلفات بهداشت عمومی که از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار باشند را به عهده دارند^۴. بنابراین صلاحیت این دو حوزه قضایی بسیار محدود است. در برخی از کشورها، مانند برزیل، دادگاه دارای شعبه‌های محیط زیستی است که به مسائل اداری، مدنی و کیفری رسیدگی می‌کند. در فرانسه، دو گانگی نظم حوزه‌های قضایی اغلب به عنوان مانعی برای اثربخشی قانون محیط زیست به نظر می‌رسد. با این حال، به نظر می‌رسد ایجاد دادگاه یا شعبه‌های ویژه قضایی در این حوزه و آموزش تخصصی به قضات کارساز باشد.

با توجه به ماهیت سازمان یافته این جرایم اغلب آنها پیچیده و سخت به اثبات می‌رسند و نیاز به ابزارهای تحقیقاتی ویژه-افتراقی دارد. با این حال، اختیارات دادگاه‌های تخصصی فرامنطقه‌ای متشکل از این توانایی‌های تحقیقاتی و اختیارات حقوقی لازم است. بنابراین به نظر موثر است که این جرایم را در حوزه صلاحیت دادگاه‌های تخصصی

1. 'École nationale de la magistrature
2. Rivaud
3. Article 706-111-1 du code de procédure pénale.
4. Article 706-2 du code de procédure pénale.

فرمانطقه ای یا دادگاه مشابه صالح در زمینه محیط زیست، بهداشت عمومی و برنامه ریزی شهری، آورده شوند. در مورد دادستان و تعقیب، دکترین به طور گسترده ای برای ایجاد یک دادسرای ملی ویژه در حوزه حقوق محیط زیست معتقدند، که بر اساس مدل دادسرای ملی جرایم مالی-اقتصادی (واقع در پاریس) که سودمندی و اثربخشی خود را در حقوق فرانسه نشان داده است. همانطور که آقای روودوت به درستی بیان می‌دارد، «از کمبود آگاهی و تخصص، جرایم زیست محیطی اساساً از زیر رادار سازمان‌های اجرایی کیفری رد می‌شوند» (روداوت، ۲۰۱۶: ۲۹). ایجاد یک دادسرای ملی، امکان کسب دانش و تخصص لازم برای سرکوب این جرایم علیه محیط زیست را می‌دهد. متأسفانه امروزه، این موضوع هم از طرف دنیای سیاسی و هم از طریق جهان قضایی به عنوان امری غیر اولویتی^۲ به شمار می‌رود. آسیب‌ها به محیط زیست عمدتاً نامرئی است و معمولاً نتایج مستقیم قابل رویت و قابل توجهی ندارد. علاوه بر این، بزهدیدگان این جرایم به ندرت انسان هستند که بتوانند شکایت کنند. به طور مشابه در رویه، در مواردی که تعقیب عمومی اجرا می‌شود، قضات فقط یک اقلیت کوچک از جرایم را مورد مجازات قرار می‌دهند. همه این ملاحظات، همراه با ماهیت فنی حقوق محیط زیست و کاهش حجم دادرسی در دادگاه‌ها، به این معنی است که دادستان (مقامات دادرسی) اغلب علاقه ای به تعقیب، دادرسی و محکومیت این جرایم ندارند. بنابراین ایجاد یک دادسرای ملی (تخصصی کردن مراجع-کارکنان قضایی)، امکان حذف بیشتر این موانع را از طریق آگاهی کامل از قوانین کیفری محیط زیست و حساسیت خاص قضات، نیاز به اطمینان از اثربخشی آن را ممکن می‌سازد. اما علاوه بر تخصصی-افتراقی سازی رسیدگی و مراجع قضایی، قانون کیفری محیط زیستی نیز نیازمند مهارت‌های فنی است که برای حقوقدانان آموزش دیده مشکل است. به همین دلیل نوشتن دقیق شکایت نامه توسط افسران باید اهمیت خاصی داشته باشد. در واقع، به ندرت ممکن است کمبودها یا نقص این اقدامات اولیه پلیس را بتوان جبران کرد، بنابراین باید دقیق باشد و یافته‌های تکنیکی بی نقص (نمونه‌ها، عکس‌ها، طرح‌ها، اندازه گیری‌های علمی و غیره) را فراهم کند.

امروزه با توجه به ماهیت ناکارآمد برخی مجازات‌ها می‌بایست ادعا شود که مسیر مدنی-ترمیمی می‌تواند به عنوان یک روش موثر برای مبارزه با جرایم زیست محیطی با اعطا و جبران خسارت‌های وارده باشد. این را می‌توان با پرونده «اریکا»^۳ نشان داد، که در آن دادگاه رسیدگی کننده، حکم به جبران خسارت زیست محیطی را که شامل «صدمات مستقیم یا غیر مستقیم به محیط زیست ناشی از جرم» داد. بنابراین، مجازات آسیب‌های زیست محیطی گاهی با شیوه‌های مدنی-ترمیمی موثرتر از شیوه سرکوبگرانه-کیفری است (جاورسکی، ۲۰۰۹: ۹۱۱). این شکاف‌ها نیز در قانون کیفری مادی یافت می‌شود همان طور که در سطح بین‌المللی، جایی که ابزارهای قانونی یا قدیمی و ناقص و یا اساساً وجود ندارد. در واقع بسیاری از بخش‌های قانون محیط زیست موضوع معاهدات بین‌المللی یا توافقنامه‌های بین‌المللی نیستند.

1. Roudaut
2. L'affaire « L'Erika ».
3. Jaworski

ب) ارتقای قوانین کیفری

علاوه بر ملاحظات ناظر به رسیدگی، به نارسایی و ناکارآمدی نسبی قانون مجازات در مورد این جرایم نیز باید اشاره نمود. در مورد اشخاص حقیقی، اگر مجازات سالب آزادی برای این جرایم پیش بینی شده باشد، میزان آن اغلب کم و ناکافی بوده که قاعدتاً اثر پیشگیرانه نسبت به مجرم نمی تواند داشته باشد. در واقع، باید یاد داشت که جرایم زیست محیطی، که اغلب سازماندهی و توسط مافیها ارتکاب می یابند و منجر به سود عظیمی می شوند در صورتی که مجازات های پیش بینی شده متناسب نیست. یکی از دلایلی که این مجرمان فعالیت های خود را "متنوع" می کنند و برای سال های بسیاری وارد تجارت غیر قانونی محصولات آسیب های زیست محیطی شده اند خطرات کم و سود بالا این فعالیت ها است.

این مافیای های اکوسیستمی اغلب دارای شرکت های پوسته ای هستند که به عنوان نماینده حقوقی برای مشارکت در سوء استفاده از آنها عمل می کنند. بنابراین لازم است که بتوانیم به این اشخاص حقوقی دسترسی پیدا و آنها را محکوم کنیم. همینطور برای همه شرکتهایی که اغلب نخستین مجرمانی هستند که قوانین زیست محیطی را نقض میکنند. به عنوان مثال آقای فسییر^۱ بیان می دارد که مجازات نقدی، زمانی که میزان آن بالا است آن را میتوان یک بازدارنده خاص قلمداد کرد چرا که «با هدفی حد وسط به خزانه و دارایی شرکت ضربه می زند حتی به طور غیر مستقیم خطرناک است، به طوری که فرد در پی جبران آسیب ها و اعمال اصلاح در آینده است» (فاسیر، ۲۰۱۷: ۵۲۷). با این حال، در مورد مسائل زیست محیطی، جریمه ها به ندرت بالا است و اغلب فقط جرم خلاف را تشکیل می دهند که حداکثر میزان مصوب ۱۵۰۰ یورو است. در مورد مجازات های دیگر، تنها انتشار و یا اعلام و یا محرومیت از خرید عمومی، احتمالاً موثر خواهد بود. در ایران با توجه به میزان اعلامی نرخ تورم و نوسان های ارزش پول، تعادل بین جزای نقدی به عنوان مجازاتی که اثر ارعابی و بازدارندگی خود را داشته باشد و نرخ تورم و وضعیت اقتصادی، امری ضروری است تا بدین وسیله مجازات مزبور بتواند کارایی و اثر خود را داشته باشد و از آنجا که فرایند قانونگذاری تابع تشریفات خاص خود بوده و عملاً طولانی مدت و زمان بر می باشد، در حال حاضر براساس ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران، مجازات نقدی تعدیل می گردد که آخرین مصوبه دولت در خصوص افزایش میزان جرایم مرتبط به محیط زیست را می توان در میزان جرایم وضع شده در مواد ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۶ و ۵۰ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی آن مشاهده نمود که براساس آن تصویب نامه قبلی به شماره ۴۲۱۲۷/ت/۴۶/۵۰ مورخه ۱۳۸۲/۷/۲۸ لغو و جرایم جدید، متناسب با نرخ تورم وضع شده که اقدام مفیدی به نظر می رسد. هر چند که در این خصوص، برخی عقیده دارند که مبالغ جزای نقدی باید براساس واقعیت ها و با همکاری کارشناسان اقتصادی جامعه تنظیم و ارائه شود و با توجه به وصف بازدارندگی و تأثیر گذاری مجازات ها، سه سال مذکور به نظر باید به هر سال تقلیل پیدا کند. شاید این مهم با توجه به تغییر دستگاه پیشنهاد دهنده که به

1. FOSSIER (Th.).

وزیر دادگستری محول شده، شتاب بیشتری پیدا نماید. با این حال در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به قاچاق زیستی اشاره شده است و کیفر جرایم سازمان یافته مطابق ماده ۲۸ این قانون تشدید می‌شود.^۱

قانونگذار فرانسوی تحت تاثیر دستورالعمل شماره ۲۰۱۰/۹۹۵ پارلمان اروپا^۲، در سال ۲۰۱۴ جرم نقض "تعهدات قانونی" در بخش چوب را وارد پهنه حقوق کیفری کرد. در واقع این یک جرم مانع است که هدف آن جلوگیری از ارتکاب جرم و ورود چوب غیرقانونی در بازار است (مانیر^۳، ۱۷، ۲: ۵۲۹). تجارت غیرقانونی چوب، در واقع موجب سود قابل توجهی برای مافیاهای خارجی است، که به طور غیرقانونی چوب را از جنگل‌های کشورهای که ابزارهایی برای جلوگیری از این پدیده‌ها ندارند، قاچاق می‌کند. (به طور عمده جمهوری دموکراتیک کنگو یا برزیل). این جرم برای کیفر قرار دادن در بازار چوب و با محصولات مشتق شده برای کاهش خطر قاچاق چوب از یک برداشت غیرقانونی است. بنابراین، وارد کننده چوب باید وظایف خود را انجام دهد تا خطر به حداقل برساند که چوب خریداری شده از یک برداشت غیرقانونی حاصل نشده باشد. با حذف تقاضا برای چوب غیرقانونی، قانونگذار می‌خواهد این پیشنهاد را حذف کند و بنابراین کارتل‌های خارجی دیگر قادر به فروش محصول خود برای صادرات نخواهند بود. ایجاد این جرم مانع زیست محیطی برای جلوگیری از اعمال مجرمانه و جلوگیری از اعمال خشونت آمیز در ابتدا به منظور جلوگیری از تعرض به محیط طبیعی، واقع می‌شود.

آیین نامه ۲۱ آوریل ۲۰۱۵ در مورد سیاست جنایی جرایم حوزه محیط زیست اقدامات موجب بازگشت به حالت سابق را توصیه می‌کند.^۵ در صورت تعقیب قانونی، ماده ل ۹-۱۷۳ قانون محیط زیست فرانسه سازوکار تعویق را در مورد تمامی جرایم که توسط این قانون ارائه می‌شود، ممکن می‌کند.^۶ بنابراین قاضی می‌تواند

۱. در صورتی که قاچاق کالاهای ممنوع به نحو سازمان یافته ارتکاب یابد، مرتکب علاوه بر جزای نقدی مندرج در ماده (۲۲) این قانون به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

الف- در خصوص بند(الف) ماده(۲۲) به نود و یک روز تا شش ماه حبس

ب- در خصوص بند(ب) ماده(۲۲) به بیش از شش ماه تا دو سال حبس

پ- در خصوص بندهای (پ) و (ت) ماده(۲۲) به حداکثر مجازات حبس مندرج در بندهای مذکور

تبصره- کسانی که در ارتکاب جرائم این ماده نقش سازماندهی، هدایت و یا سردستگی گروه سازمان یافته را برعهده دارند، حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در بندهای (الف) و (ب) محکوم میشوند.

2. Sous l'influence de la directive n° 995/2010 du Parlement européen et du Conseil du 20 octobre 2010 établissant des obligations pour les opérateurs qui mettent du bois et des produits dérivés sur le marché.

3. Par l'article 76, IV, de la loi n° 2014-1170 du 13 octobre 2014 d'avenir pour l'agriculture, l'alimentation et la forêt.

4. Monnier

5. Circulaire du 21 avril 2015 relative aux orientations de politique pénale en matière d'atteintes à l'environnement (NOR : JUSD1509851C) (BO min. justice n° 2015-04, 30 avril 2015).

6. Articles 132-66 à 132-70 du code pénal.

محکومیت را به تعویق بگذارد، اما از سوی دیگر می‌تواند درخواست کند که شخص حقیقی یا حقوقی به تعدادی از اقدامات مطابق قانون یا مقررات را اجرا کند و اگر شخص آنها را نقض کند قاضی می‌تواند یک جریمه حداکثر ۳۰۰۰ یورو را برای هر نقض روزانه تا حداکثر سه ماه اعمال کند. به همین ترتیب، برای تمام محکومیت‌های ناشی از جرایم پیش بینی شده در قانون محیط زیست، دادگاه با اعمال ماده ل. ۵-۱۷۳ از این قانون می‌تواند هر گونه اقدامی را جهت بازگرداندن به حالت سابق مکان‌هایی که به آن آسیب‌های رسیده و یا ترمیم خسارات وارد شده به محیط زیست را درخواست و در صورت لزوم قاضی می‌تواند مجازات نقدی حداکثر ۳۰۰۰ یورو تا سه ماه تعیین کند. به نظر می‌رسد که این ابزار قانونی یک سازوکار موثر برای جبران خسارات، توانبخشی و برگشت به حال سابق می‌باشد قبل از حکم و اجرای کیفر.

قانونگذار فرانسوی تمایل به جرم‌انگاری برخی جرایم شدید زیست محیطی را دارد. این مورد تروریسم زیست محیطی است که در ماده ۲-۴۲۱ قانون مجازات فرانسه کیفرگذاری شده است. این ماده بیان می‌کند که «... یک اقدام تروریستی، هنگامی که به طور عمدی با ارتباط با یک شرکت فردی یا جمعی به منظور اختلال جدی در نظم عمومی با ارباب یا ترور باشد، فعل صورت گرفته در جو، در زمین، در زیر زمین، در مواد غذایی و یا اجزای مواد غذایی و یا در آب، از جمله دریای سرزمینی، موادی که ماهیتا ممکن است به سلامت انسان و یا حیوانات یا محیط طبیعی را به خطر بیندازد». مجازات این عمل در ماده ۴-۴۲۱ قانون مجازات فرانسه پیش بینی شده است که بیست سال حبس و ۳۵۰۰۰۰ یورو جزای نقدی، البته اگر این رفتار به مرگ یک یا چند شخص منجر شود، مستوجب حبس ابد و ۷۵۰۰۰۰۰ هزار یورو جزای نقدی است (میر کمالی، علی‌رضا و امین حاجی‌وند و فرشید صفری، ۱۳۹۷، ۴۳۹).

این جنبش جرم‌انگاری شدیدترین جرایم علیه محیط زیست نیز مسئله ایجاد جرم اکوساید را مطرح می‌کند (مهر، قلی‌پور و باباخانی، ۲۰۱۹: ۱۲). این مطالبه بخشی از جامعه مدنی و دکتین، اخیرا با ایجاد "دادگاه مونسانتو" در لاهه برای محاکمه ارتکاب جرایم علیه محیط زیست توسط شرکت بین‌المللی مونسانتو که در زمینه بیوتکنولوژی کشاورزی تخصص دارد به صحنه وارد شده است. وی متهم به جنایت علیه بشریت و اکوساید شده بود همچنین متهم به تجارت محصولات سمی که منجر به مرگ هزاران شخص شد از جمله گلیفوزات (علف کش) و یا عامل نارنجی (علف کش اسپری توسط ارتش آمریکا در ویتنام). در تاریخ ۱۸ آوریل ۲۰۱۷ "دادگاه" یک نظر مشورتی ارائه داد که در آن به نظر می‌رسد که جرم اکوساید باید به رسمیت شناخته شود، زیرا فعالیت‌های مونسانتو را محکوم کرده است.^۱

مطابق با پیمان کارکرد اتحادیه اروپا، یک طرح شهروندان اروپایی برای تصویب یک دستورالعمل در مورد اکوساید در اروپا ارائه شده است.^۲ این سازمان همچنین خواستار جرم‌انگاری "هر اکوساید ناشی از اقدام شهروندان اروپایی، اشخاص حقیقی و حقوقی، خارج از اروپا" شد. این ابتکار عمل که در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۴

1. Le Monde, Rémi Barroux, 18 avril 2017.

2. Article 11, § 4 Traité sur le fonctionnement de l'Union européenne (TUE).

تاریخش به پایان رسیده، کمیسیون اروپایی به دلیل نقص اطلاعات آن را بررسی نکرد. این جنایت همچنین به راحتی می‌تواند مکان خود را در قانون مجازات فرانسوی همراه با جنایات علیه بشریت و علیه گونه‌های انسانی به منظور سرکوب شبکه‌های مافیا و شرکت‌های بزرگ بین‌المللی که صدمه برگشت ناپذیری به محیط زیست وارد می‌کنند، پیدا کند.^۱

نتیجه‌گیری

در عمل، جرایم زیست محیطی اغلب توسط شبکه‌های جرایم سازمان یافته انجام می‌شود که به دنبال سود کم خطر هستند. تعداد جرایم ثبت شده در این حوزه در کشور فرانسه هر سال افزایش می‌یابد و در سال ۲۰۱۵ به میزان ۳۶۰۶۶ جرم رسیده است. اما هنوز هم به دلیل فقدان ابزارهای قضایی و مادی عدالت کیفری، مورد توجه لازم نمی‌باشند. علاوه بر این، جرایم زیست محیطی، که اغلب قابل رویت نیستند، با توجه فقدان تمایل دادسرا برای تعقیب شاهد تصمیم به اقدامات جایگزین تعقیب از طرف دادستان می‌باشیم. بنابراین، لازم است به منظور ارتقاء کارایی کامل حقوق زیست محیطی، قوانین کیفری، چه رویه ای، و چه به لحاظ قانونی، بهبود یابند. این اصلاحات همچنین باید شامل تأیید اراده سیاسی برای شناسایی جنایت اکوساید-به عنوان شدیدترین جنایت زیست محیطی- در سطح بین‌المللی باشد تا اینکه مرزها همچنان موانعی برای مجازات عاملان آسیب‌های جدی و غیرقابل برگشت به محیط زیست ایجاد نکنند. از این رو، به «قاعده ممنوعیت اکوساید» نیاز است که شدیدترین نوع حمایت کیفری از محیط زیست تا به امروز است. بر این اساس، در جهت رسیدن به توسعه پایدار و تحقق آرمان اقتصاد سبز و پاک، ضروری است که همانند برخی از کشورها، جنایت اکوساید جرم انگاری گردیده و در سطح منطقه ای و بین‌المللی نیز به سوی جرم انگاری آن گام برداشته شود تا دولت‌ها، باندهای سازمان یافته و شرکتهای جنایتکار، در برابر رفتارهای جنایی خود علیه محیط زیست، پاسخگو مسؤول شناخته شوند.

1. NEYRET, "Pour la reconnaissance du crime d'écocide", 2014, pp. 183-184).

منابع

- اعتمادی، سید یوسف، سیر تحول قوانین منابع طبیعی و محیط زیست، انتشارات بهرامی، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
- مجنونیان، هنریک، زیستگاهها و حیات وحش، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، چاپ اول، ۱۳۷۸
- رمضانی قوام آبادی، محمد حسین، "پیشگیری و سرکوب جرایم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمانهای غیردولتی در نظام حقوقی ایران"، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۰.
- فرید، محمد امین و عسگر روزه؛ "سیاست جنایی اسلام در قبال جرایم زیست محیطی"، پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال اول، شماره ۲، اسفند ۱۳۹۵.
- میر کمالی، علیرضا و امین حاجی وند و فرشید صفری، "تروریسم زیست محیطی در حقوق کیفری فرانسه و تطبیق آن با جرم انگاریهای مشابه در ایران"، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
- نجات، سید امین و فرهاد دبیری؛ "بررسی چالشهای کیفری ناشی از اجرای ماده ۶۸۸ (۹۱۴) قانون مجازات اسلامی" مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴
- جام بزرگ، مریم و منصور پور نوری و سید عباس پور هاشمی و داود هرمیداس باوند "مولفه‌ها و چالش‌های تدوین شاخص‌های جرم زیست محیطی تحت عنوان جرم بین‌المللی"، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۲۱، شماره ۴، تیرماه ۱۳۹۸.

1. DALLEST (J.) et PRADEL (J.), La criminalité organisée, droit français, droit international et droit comparé, LexisNexis, 2012.
2. Doussan (I.), et autre collègues, Chronique de droit privé et de droit économique de l'environnement, Revue juridique de l'environnement, 2014.
3. GUIHAL (D.), ROBERT (J.-H.) et FOSSIER (Th.), Droit répressif de l'environnement, Economica, 4e éd., 2016.
4. GUILLOT, Philippe, droit de l'environnement, Marketing, Paris, 2010.
5. Neyret (L.), Pour la reconnaissance du crime d'écocide, Revue juridique de l'environnement, 2014.
6. Neyret (L.), Delmas-Marty, (M), Des écocrimes à l'écocide : le droit pénal au secours de l'environnement / sous la direction de Laurent Neyret ; préface de Mireille Delmas-Marty, Bruylant, Bruxelles, 2015.
7. Castiaux (G.), «Revendication d'un crime d'écocide: les droits fondamentaux pour la protection de l'environnement sont-ils suffisants?», mémoire, Université catholique de Louvain, 2017.
8. مقاله‌ها

9. AFP, ««Erika» : la Cour de cassation confirme la condamnation de Total», Le Monde, 25 septembre 2012
10. BAUDET (M.-B.), « L'écocide, un concept-clé pour protéger la nature », Le Monde, 19 mai 2017
11. COURTAUGNE-DESLANDES (C.) "Propositions pour améliorer la protection de l'environnement et de la santé publique par le droit pénal" BDEI, 60
12. FABREGAT (S.) "L'ONU s'attaque au trafic d'espèces sauvages et au crime organisé qui se cache derrière" Actu-environnement, 03 août 2015
13. FOSSIER (Th.), « La répression des infractions au droit de l'environnement », AJ Pénal, décembre 2017
14. JAWORSKI (V.), L'état du droit pénal de l'environnement français : entre forces et faiblesses, Les Cahiers de droit, Volume 50, numéro 3-4, septembre-décembre 2009.
15. HELLIO (H.), "Une convention contre la criminalité environnementale: une révolution? Non, une circulation!", Criminalité environnementale, Volume 49, Numéro 2, Automne, 2016
16. MANIRABONA (A.), "La criminalité environnementale transnationale : aux grands maux, les grands remèdes?", Criminalité et police transnationales: une perspective critique, Volume 47, n°2, automne 2014
17. MARTIN (G.), "Droit pénal", Revue juridique de l'environnement 2017/2 (Volume 42).
18. MONNIER (L.), « Le délit précurseur de manquement à l'obligation de «diligence raisonnée» dans le secteur du bois », AJ Pénal, décembre 2017
19. EYRET (L.), "Pour la reconnaissance du crime d'écocide", Revue juridique de l'environnement 2014/HS01 (Volume 39)
20. NOUALHAT (L.), "Le trafic de bois bien enraciné", Libération, 5 juin 2014
21. RIVAUD (J.-Ph.), "Réquisitions en faveur d'une justice environnementale", AJ Pénal, décembre 2017
22. ROUDAUT (M.), "Crime organisé : un acteur global", Sécurité globale 2008/3 (N° 5)
23. ROUDAUT (M.), « Une brève histoire du futur. Le monde criminel à l'horizon 2025. L'inconnu connu, l'inconnu inconnu et le connu inconnu », Sécurité globale 2016/2 (N° 6)
24. ROUSSEL (F.), "Criminalité environnementale, la lutte s'organise" Actu-en-

vironnement, 14 septembre 2015

25. SCHOTT (C.), “Crime environnemental, enjeux de sécurité pour les organisations” Défis n°6, L’Intelligence stratégique au service de la compétitivité

26. SINAÏ (A.), “Trente-cinq propositions pour sanctionner les crimes contre l’environnement”, Actu-Environnement, 13 février 2015

27. Mehra (N.), Gholipour (G-R), Babakhani (E.), Ecocide: a Crime against Sustainable Development, Ankara University, 2019

Organized Environmental Crimes with an Emphasis on France's Law

Erfan Baba Khani

Abstract

Crimes against environment and insufficient attention to it have turned into one of the concerns of human societies in facing nature. Since mid-21 century, the issue of environment gained global attention and turned into a sustainable crisis of the international society, a crisis that has seriously threatened all the residents of the Earth, and while global warming is escalating today and climate change crisis has also gotten new dimensions, this crisis is going to force grand social changes, a crisis that has put vital resources of the Earth at risk. To combat this kind of crisis, it seems that improving criminal policy and criminal arsenal of countries and the international community is necessary. Since late 1990s, governments tried to resolve this issue by resorting to criminal laws but the special nature of these crimes that benefit from high gains and low risks caused the resorting to criminal Laws unable to reduce these crime rates considerably, particularly in developing countries. Centering on this, the present article has attempted to find causes of tremendous escalation of this organized crime. The present article has progressed with a descriptive-analytical approach by adapting the subject facts and finally by analyzing the issue, concludes that the environmental crimes are escalating primarily due to lack of proportionality of punishment and insufficiency of legal tools in national and international levels. Therefore; it is necessary that certain solutions be taken into considerations in order to improve criminal support of the environment.

Key Words: Environmental Crimes, Environment, Organized Crimes, France's Laws

■ ■ ■

